

پرونده‌ای به بهانه سالروز رسمیت یافتن جدایی بحرین از ایران

از یادها رفته!

هادی قائم‌مقامی: «شورای امنیت سازمان ملل متحد درخواست اکثریت را مبنی بر استقلال کامل بحرین تصویب کرد. نماینده ما در سازمان ملل بلافاصله قول حمایت ایران را ارائه کرد. شنیدن خبر این قضیه از رادیو تهران بسیار جالب بود. گوینده خبر چنان با افتخار و غرور آن را خواند که گویی هم‌اکنون بحرین را فتح کرده‌ایم.» (خطرات اسدالله علم، سه‌شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۹)

حس و حال گوینده رادیو تهران موقع خواندن خبر استقلال بحرین را اسدالله علم اینگونه که در خاطراتش نوشته، توصیف کرده است. این بخش از خاطرات علم در کنار بخش دیگری از نوشته‌هایش که به کمی قبل‌تر از اعلام استقلال بحرین برمی‌گردد، معنای عجیب‌تری پیدا می‌کند؛ علم در خاطرات ۲۱ فروردین ۴۹ می‌نویسد: «پس از مسابقه فوتبال ایران و اسرائیل در استادیوم امجدیه، ۳۰۰۰ تماشاچی بلند شدند و با هم سرود ملی را خواندند و جشن و سرور تا سحر ادامه پیدا کرد. شاه شناس آورد که کسی از فرصت استفاده نکرد تا درباره بحرین تظاهرات کند. موضوع اخیر به کلی از یادها رفته است.»

چگونه مساله مهمی مثل جدایی بخشی از خاک یک کشور، اینچنین مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد؟ زمینه‌های اجتماعی و فکری این مساله چگونه در جامعه شکل می‌گیرد؟ و چرا پس از استقلال بحرین، واکنش قابل‌ذکری از سوی مردم به این موضوع صورت نمی‌گیرد؟ مجلس چگونه با کمترین مخالفت و با رای بالا جدایی بحرین را می‌پذیرد؟ مردم چرا درباره این مساله سواالی نمی‌پرسند؟

در میان تحلیل‌هایی که پیرامون جدایی بحرین از ایران در محافل مطبوعاتی و دانشگاهی طرح شده است، در پاسخ به سوالات فوق، به تلاش پهلوی برای بی‌اهمیت جلوه دادن بحرین اشاره می‌کنند. شاید مصاحبه‌ای که محمدرضا پهلوی در شهریور ۴۵ با روزنامه گاردین لندن انجام داده از این منظر قابل تحلیل باشد: «بحرین با توجه به اینکه خابرنمای مروری در سواحل آن به پایان رسیده است، از نظر ایران اهمیتی ندارد.» این اظهار نظر درحالی است که شاه



جنبه «حفظ منافع» به خود بگیرد. ادعاهای واهی نیز از این منظر درباره موافقت با جدایی بحرین مطرح می‌شود؛ ادعاهایی مانند اینکه موافقت با جدایی بحرین باعث حفظ تمامیت ارضی در جزایر سه‌گانه شده است. با اتکا به اسناد موجود، سیاست رژیم پهلوی، ایران را در احقاق حقوق خود درباره جزایر سه‌گانه نیز بی‌نیاز و ناد و قدرت ایران در خلیج فارس را اگر نه بی‌درنگ، بلکه پس از چند سالی شدت تضعیف کرد و لطمه بزرگی به موقعیت راهبردی ایران در خلیج فارس زد و ایران را از داشتن پایگاهی مهم در جنوب خلیج فارس محروم کرد؛ و مهم‌تر از آن قداست و مصونیت تمامیت ارضی ایران را خندش‌دار کرد. مساله دیگری که درباره جدایی بحرین که تا مدت‌ها به‌عنوان استان چهاردهم ایران در اذهان و افکار عمومی شناخته می‌شد، مطرح است، مساله فراز و فرود حاکمیت ایران بر بحرین است. اگرچه در دوره‌های مختلف، بازم به دلیل بی‌کفایتی و بی‌تدبیری شاهان وقت، ایران از حاکمیت بر بحرین منع شده بود اما «حق حاکمیت» خود را از دست نداده بود و در هیچ مجمع بین‌المللی بحرین به‌عنوان کشوری



دپلماسی علیه تمامیت ارضی

قدرت و نفوذ انگلستان در سال ۱۹۲۳ با خلع شیخ عیسی از حکومت بحرین افزایش یافت و بویژه با انتصاب «چارلز بلگریو» به‌عنوان مشاور انگلیسی حاکم جدید و چندی بعد با انتقال پایگاه دریایی انگلیس از بندر باسعید (در غرب جزیره قشم) به بحرین و انتقال مقر نماینده سیاسی انگلیس در خلیج فارس از بوشهر به بحرین، این قدرت و نفوذ وسیع‌تر و باثبات‌تر شد. سر چارلز بلگریو (Sir Charles Belgrave) که از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۷ میلادی به مدت سی‌و یک سال کارگزار انگلستان در خلیج فارس بود، کتابی نوشت که در سال ۱۹۶۶ میلادی چاپ و منتشر شد. بلگریو که با ایرانیان چندان میانه خوبی نداشت، کتابش را این‌گونه آغاز کرده است: «... خلیج فارس که تا زمان اینک آن را خلیج عربی گویند...» در واقع بلگریو، نخستین کارگزار است که خلیج عربی را به جای خلیج فارس ابداع کرد و در نوشته‌هایش آن را به کار برد و به تازگی زبان‌آموخت. در واقع واژه «خلیج‌العربی» از اندیشه استعماری یک کارگزار کهنه‌کار انگلیسی زاییده و به کشورهای عربی تقدیم شد. بلگریو همسر خود را نیز به بحرین آورده بود تا در مدارس انگلیسی که در منامه پایتخت این کشور تاسیس شده بود به تدریس بپردازد. او توانست با حمایت امیر وقت بحرین مدرسی در این جزیره تاسیس کند. شیوه آموزش در این مدارس انگلیسی از سوی بسیاری از مردم با انتقاد روبه‌رو شد. قیام‌ها و اعتراضات مردم علیه انگلیس در فاصله سال‌های ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۶م در بحرین منجر به حوادث مهمی شد. جنبش مردمی، مرکز نمایندگی سیاسی انگلیس را که در سال ۱۹۴۷م از بوشهر به بحرین انتقال یافته بود نشان رفت، به نحوی که انگلیس را مجبور کرد در ساخت سیاسی آن منطقه تغییراتی ایجاد کند. اواخر خرداد ۱۳۳۵ هـ ش (۱۹۵۶م) روزنامه تایمز لندن نوشت: «در بحرین پست جدیدی به نام دبیر حکومت ایجاد و رئیس انگلیسی گمرک بحرین به این سمت گمارده شده است.» این روزنامه نوشت: «در بی تظاهرات بحرین که در رأس آن کمیته ملی قرار داشت، کمیته تقاضا کرد سر چارلز بلگریو که ۳۰ سال پیش از طرف شیخ بحرین به سمت مشاور تعیین شده از کار خود برکنار شود. پست دبیر دولت بحرین پست جدیدی است که در بحرین ایجاد شده و گمان می‌رود خواسته‌های کمیته اتحاد ملی بحرین را برآورد.» در همان حال روزنامه الامرام گزارش داد احتمال دارد در ۳ ماه آینده سر چارلز بلگریو مستشار انگلیسی شیخ بحرین از مقام خود استعفا کند که در نهایت وی در سال ۱۹۵۷م مجبور به ترک محل شد و به دنبال آن فرزندش جیمز به بحرین آمد و ملیت بحرینی گرفت.



ارشدیر زاهدی در کنار مشاور انگلیس در وقت سازمان ملل

عکس‌العمل وزیر امور خارجه و نخست‌وزیر وقت ایران درباره ماجرای بحرین جالب توجه است. اردشیر زاهدی، وزیر امور خارجه در مصاحبه با خبرنگار مجله لایف در ۱۱ بهمن ۱۳۴۹ می‌گوید: «بحرین حدود ۱۵۰ سال پیش از ما دور بود. چون انگلیسی‌ها گفتند از منطقه باید بروند و ما برای اینکه خطری ایجاد نشود گفتیم هر چه نظر اکثریت اهالی است و هر چه آنها تصمیم گرفتند برای ما هم قابل قبول است. مساله به سازمان ملل مراجعه شد و ما نظر اکثریت را قبول کردیم.» امیرعباس هویدا نیز در جلسه کنگره حزب ایران‌نویس، به تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ در پاسخ به پرسشی درباره بحرین می‌گوید: «صحیح است ما قدرت داشتیم و نیروی دریایی و هوایی ما قوی بود ولی ما طالب صلح هستیم ضمناً دیدیم در ۱۵۰ سال گذشته که دیگران در بحرین دخالت داشته‌اند وضعی به‌وجود آوردند و چون ما قصد نداشتیم به آنها بگوییم بروید، کار را به آن صورت که گفتیم حل کردیم.» وی در پاسخ به پرسشی دیگر درباره بحرین می‌گوید: «به هیچ‌کس مربوط نیست، دختر خودمان بود به هر کسی می‌خواستیم شوهرش دادیم!» مولف کتاب «کاروان عمر» می‌نویسد: «در بحبوحه جریان (تجزیه) بحرین در سال ۱۹۷۰، ماه آوریل، من (بزرگمهر) در تهران بودم، و به عنوان وزیر مشاور خدمت می‌کردم. روزی نخست‌وزیر (هویدا) مرا خواست و گفت: ...حاضری انجام خدمت لازمی را به دولت برعهده بگیری؟... چند روزی به بحرین برو، و غیررسمی تحقیقاتی کن، بین اوضاع آنجا در رابطه با ایران چگونه است... این مساله خصوصی باقی بماند، و کسی از این موضوع باخبر نشود... بر این‌دیا» به بحرین رفتیم... در شهر با کمال تعجب دیدم که تمام مغازه‌دارها فارسی صحبت می‌کنند... همه ایرانی‌الصل بودند و بسیار خونگرم و مهربان. با چند نفر از تجار که دفاتر معتبری داشتند مذاکره کردم. همه نسبت به ایران و ایرانی نظرات بسیار قابل توجه داشتند... دولت هویدا پس از این اقدامات، نخستین دولتی بود که استقلال بحرین را به رسمیت شناخت و از تقدیم یک کرسی در سازمان ملل به دولت بحرین استقبال کرد!



محمدعلی مسعودی، وزیر امور خارجه

بلگریو

قدرت و نفوذ انگلستان در سال ۱۹۲۳ با خلع شیخ عیسی از حکومت بحرین افزایش یافت و بویژه با انتصاب «چارلز بلگریو» به‌عنوان مشاور انگلیسی حاکم جدید و چندی بعد با انتقال پایگاه دریایی انگلیس از بندر باسعید (در غرب جزیره قشم) به بحرین و انتقال مقر نماینده سیاسی انگلیس در خلیج فارس از بوشهر به بحرین، این قدرت و نفوذ وسیع‌تر و باثبات‌تر شد. سر چارلز بلگریو (Sir Charles Belgrave) که از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۷ میلادی به مدت سی‌و یک سال کارگزار انگلستان در خلیج فارس بود، کتابی نوشت که در سال ۱۹۶۶ میلادی چاپ و منتشر شد. بلگریو که با ایرانیان چندان میانه خوبی نداشت، کتابش را این‌گونه آغاز کرده است: «... خلیج فارس که تا زمان اینک آن را خلیج عربی گویند...» در واقع بلگریو، نخستین کارگزار است که خلیج عربی را به جای خلیج فارس ابداع کرد و در نوشته‌هایش آن را به کار برد و به تازگی زبان‌آموخت. در واقع واژه «خلیج‌العربی» از اندیشه استعماری یک کارگزار کهنه‌کار انگلیسی زاییده و به کشورهای عربی تقدیم شد. بلگریو همسر خود را نیز به بحرین آورده بود تا در مدارس انگلیسی که در منامه پایتخت این کشور تاسیس شده بود به تدریس بپردازد. او توانست با حمایت امیر وقت بحرین مدرسی در این جزیره تاسیس کند. شیوه آموزش در این مدارس انگلیسی از سوی بسیاری از مردم با انتقاد روبه‌رو شد. قیام‌ها و اعتراضات مردم علیه انگلیس در فاصله سال‌های ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۶م در بحرین منجر به حوادث مهمی شد. جنبش مردمی، مرکز نمایندگی سیاسی انگلیس را که در سال ۱۹۴۷م از بوشهر به بحرین انتقال یافته بود نشان رفت، به نحوی که انگلیس را مجبور کرد در ساخت سیاسی آن منطقه تغییراتی ایجاد کند. اواخر خرداد ۱۳۳۵ هـ ش (۱۹۵۶م) روزنامه تایمز لندن نوشت: «در بحرین پست جدیدی به نام دبیر حکومت ایجاد و رئیس انگلیسی گمرک بحرین به این سمت گمارده شده است.» این روزنامه نوشت: «در بی تظاهرات بحرین که در رأس آن کمیته ملی قرار داشت، کمیته تقاضا کرد سر چارلز بلگریو که ۳۰ سال پیش از طرف شیخ بحرین به سمت مشاور تعیین شده از کار خود برکنار شود. پست دبیر دولت بحرین پست جدیدی است که در بحرین ایجاد شده و گمان می‌رود خواسته‌های کمیته اتحاد ملی بحرین را برآورد.» در همان حال روزنامه الامرام گزارش داد احتمال دارد در ۳ ماه آینده سر چارلز بلگریو مستشار انگلیسی شیخ بحرین از مقام خود استعفا کند که در نهایت وی در سال ۱۹۵۷م مجبور به ترک محل شد و به دنبال آن فرزندش جیمز به بحرین آمد و ملیت بحرینی گرفت.



بلگریو در کنار امیر وقت بحرین